عقبگرد ۲۱۷میلیون مترمکعبی سدهای تهران

سخنگوی صنعت آب: وقتی دسترسی کشاورز به بهره‌برداری از چاه غیرمجاز را قطع می‌کنیم، باید برای تأمین معیشت او چاره‌ای کرده باشیم

گزارش
بهناز قاسمی

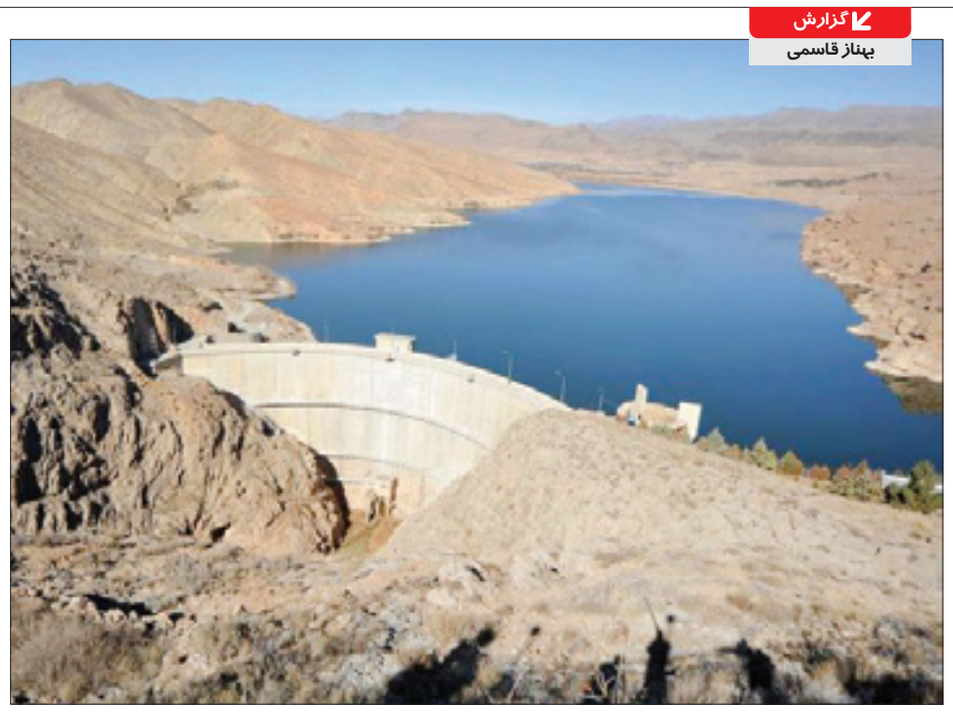

در سال‌های خشکسالی، همواره انتقادها به سمت مصرف آب در بخش کشاورزی است. به گفته سخنگوی صنعت آب، ضریب خودکفایی در موضوع صیفی‌جات و سبزیجات ۱۵۰درصد و ضریب خودکفایی در میوه ۱۲۵درصد است، اما نکته قابل تأمل این است که وقتی دسترسی کشاورز به بهره‌برداری از چاه غیرمجاز را قطع می‌کنیم، باید برای تأمین معیشت او چاره‌ای کرده باشیم. متأسفانه در این سال‌ها دولت‌ها نتوانستند شغل جایگزین برای امرار معاش کشاورزان آماده‌سازی کنند. دولت و مجلس با تخصیص اعتبارات لازم باید چاره‌اندیشی می‌کردند. در ایران سهم مصرف آب بخش کشاورزی حدود ۷۰ تا ۹۰درصد، شرب ۸درصد و صنعت و معدن ۲درصد است، این در حالی که در کشورهای پیشرفته سهم مصرف آب در بخش کشاورزی ۳۰درصد، شرب و بهداشت ۱۱درصد و سهم بخش صنعت و معدن ۵۹درصد است. طبق این آمار، بخش کشاورزی، بیشترین میزان مصرف را در بخش آب دارد، به طوری که این میزان از مصرف به ۸۲میلیارد مترمکعب در سال رسیده، این در حالی است که تنها ۸/۳میلیارد لیتر در کشور، مصرف خانگی آب یا همان آب شرب داشتیم و در بخش صنعتی هم فقط ۲/۴میلیارد لیتر آب مصرف شده است، البته پیش از این، معاون وزیر جهاد کشاورزی با اشاره به اینکه حجم آب مصرفی در بخش کشاورزی همیشه مورد اختلاف نظر متخصصان و کارشناسان بوده، گفته است: «نتایج مطالعات انجام‌شده نشان‌دهنده این است که حجم آب مصرفی کل بخش کشاورزی حدود ۷۰میلیارد مترمکعب در سال گذشته است»، با این حال باز هم بخش عمده‌ای از آب شیرین کشور در بخش کشاورزی مصرف می‌شود. این میزان از مصرف آب در بخش کشاورزی نیازمند انجام اقدامات لازم برای جلوگیری از هدررفت و صرفه‌جویی آب در بخش کشاورزی است. اصلاح الگوی کشت یکی از مهم‌ترین راهکارها برای کاهش مصرف آب در این بخش است. در اجرای این طرح حیاتی و مهم وزارت جهادکشاورزی معتقد است فاز نخست آن در سال زراعی امسال اجرا خواهد شد، اما از دیدگاه وزارت نیرو این طرح اشکالاتی دارد که باید رفع شود.

عیسی بزرگ‌زاده در نشست خبری روز گذشته خود در این خصوص گفت: متأسفانه الگوی کشت و افزایش بهره‌وری مصرف آب در بخش کشاورزی، آنطور که باید پیاده‌سازی نشده است و هنوز جای کار بسیار دارد، ضریب خودکفایی در موضوع صیفی‌جات و سبزیجات ۱۵۰درصد و ضریب خودکفایی در میوه ۱۲۵درصد است. سخنگوی صنعت آب خاطرنشان کرد: اصلاح مصرف آب در بخش کشاورزی، به‌هیچ وجه مشکلی در زمینه تولید غذا و محصولات کشاورزی به‌وجود نخواهد آورد. وی با بیان اینکه در نشست شورای عالی آب اسفندماه، دستورالعمل‌هایی برای کاهش مصرف آب در بخش‌های مختلف صادر شد که امروز ملاک کار، همان مصوبات شورای عالی آب است، افزود: بخش کشاورزی پرمصرف‌ترین بخش کشور در آب است، این بخش راندمان بسیار پایینی در مصرف آب و تولید دارد، از مزرعه تا سفره ۳۰درصد تولیدات کشاورزی، تبدیل به ضایعات می‌شود. بزرگ‌زاده تصریح کرد: وقتی دسترسی کشاورز به بهره‌برداری از چاه غیرمجاز را قطع می‌کنیم، باید برای تأمین معیشت او چاره‌ای کرده باشیم. متأسفانه در این سال‌ها دولت‌ها نتوانستند شغل جایگزین برای امرار معاش کشاورزان آماده‌سازی کنند. دولت و مجلس با تخصیص اعتبارات لازم باید چاره‌اندیشی می‌کردند. ضروری است این اقدامات با همکاری وزارت صمت، جهاد کشاورزی، نیرو و مجلس سریعاً در دستور کار قرار گیرد.

استان‌های کم بارش

بزرگ‌زاده با اشاره به وضعیت استانی بارش‌ها نیز گفت: استان‌هایی مانند سیستان‌وبلوچستان، هرمزگان، بوشهر و خوزستان کاهش بارشی بین ۵۰ تا بیش از ۷۸درصد را تجربه کرده‌اند. استان‌های یزد، تهران، فارس، خراسان‌جنوبی، خراسان‌شمالی، کرمان، البرز، اصفهان، قم، مرکزی، چهارمحال‌وبختیاری، سمنان، ایلام و خراسان‌رضوی نیز با کاهش ۳۰ تا ۵۰درصدی بارش مواجه بوده‌اند. در مقابل، استان‌های مازندران، گیلان و زنجان کاهش بارش زیر ۱۰درصد داشته‌اند.

سدهای تهران از پارسال عقبند

سخنگوی صنعت آب در خصوص میزان بارندگی‌ها و آب سدها اظهار داشت: تا ۱۶خرداد ماه مجموع ارتفاع بارش‌های کشور ۱۴۳میلیمتر بوده که ۳۹درصد نسبت به بلندمدت و ۴۰درصد نسبت به پارسال عقب هستیم. وی گفت: ورودی سدهای کشور از ابتدای سال آبی ۲۱میلیارد مترمکعب بوده، این میزان سال گذشته ۳۶میلیارد مترمکعب بوده است، یعنی ۴۲درصد کاهش ورودی داشته‌ایم. امسال خروجی آب از سدها ۱۹میلیارد مترمکعب بوده است و سال گذشته ۲۳میلیارد مترمکعب خروجی داشته‌ایم. وی حجم مخازن سدها را امسال ۲۶میلیارد مترمکعب و سال گذشته ۳۴میلیارد مترمکعب اعلام کرد و افزود: در کل سدهای کشور ۵۱درصد پرشدگی دارند. سدهای تهران ۲۴درصد پرشدگی دارند و ذخایر سدهای تهران نسبت به پارسال ۲۱۷میلیون مترمکعب عقب هستند. وی میزان پرشدگی سد لار را ۸درصد، طالقان ۵۳درصد، امیرکبیر ۴۲درصد و لتیان ۲۵درصد عنوان کرد.

سخنگوی صنعت آب خاطرنشان کرد: ۲۳استان و ۴۳شهر کشور تنش آبی دارند و تعداد ۱۶۱پروژه اضطراری رفع تنش آبی تعریف شده است. این پروژه‌ها ۲۱هزارمیلیارد تومان اعتبار نیاز دارند، تاکنون حدود ۲هزارو ۵۰۰میلیارد تومان اعتبار برای این پروژه‌ها درنظر گرفته شده که بخشی از آن تخصیص یافته است.

وی در ادامه با بیان اینکه در شرق کشور در حوزه منابع آب دریافتی بر اساس عرف معاهده ۱۳۵۱ شرایط لازم را نداریم، گفت: در هیرمند ۱۱۹میلیون مترمکعب آب دریافت کردیم که از حقابه ما فاصله معناداری دارد. سخنگوی صنعت آب خاطرنشان کرد: رایزنی‌ها ادامه دارد و جلسه اخیر کمیسارن برگزار شد، همکاری اقتصادی دو کشور نیز رو به توسعه است و به بهبود رفتارها کمک می‌کند، در کلام همکاری کشور همسایه را داریم و برخی مواقع خشکسالی را بهانه می‌کنند، ما هم قبول داریم اما باید میزان آب دریافتی بیشتر باشد. رایزنی دیپلماتیک ادامه دارد، امیدواریم رهاسازی بیشتر شود.

تهران آب ندارد

در بخش دیگری از این نشست، برخی خبرنگاران با اشاره به تناقض میان بحران آب تهران و روند ساخت‌وساز در این شهر، به نبود هماهنگی بین نهادها انتقاد کردند. سخنگوی صنعت آب در پاسخ به این دغدغه‌ها گفت: واقعیت این است که تهران دیگر ظرفیت تأمین آب جدید را ندارد. منابع آبی فعلی تهران شامل آب‌های سطحی و آب‌های زیرزمینی در وضعیت شکننده‌ای قرار دارند، با این حال شهرک‌سازی و مهاجرت به تهران ادامه دارد. این تناقض ناشی از عدم‌عدالت فضایی در توزیع فرصت‌ها و اشتغال است.

وی با اشاره به رشد سالانه ۲/۵درصدی جمعیت در تهران و برخی شهرک‌های اطراف آن مانند پرند، بومهن، رودهن و پردیس افزود: ما نمی‌توانیم به ساکنان این مناطق آب ندهیم، ولی مسئول کنترل مهاجرت یا توزیع فضایی جمعیت، وزارت نیرو نیست. این مسئله نیازمند سیاستگذاری کلان و بین‌بخشی است. تا زمانی که در شهرهای کوچک فرصت شغلی و رفاه فراهم نشود، جمعیت به تهران مهاجرت می‌کند و ما نیز مجبور به تأمین آب برای آنها هستیم.

نگاه
هادی اسماعیلی

جبران کسری ۳۰هزارمگاواتی برق با تجدیدپذیرها؟!

با تشدید ناترازی برق و گاز در کشور، ضرورت توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر بیش از پیش آشکار شده است. کسری ۳۰هزارمگاواتی برق در سال جاری و پیش‌بینی نیاز به ۱۲۰هزارمگاوات ظرفیت جدید طی دو دهه آینده، کشورمان را در برابر چالشی بزرگ قرار داده است. در این میان، انرژی‌های تجدیدپذیر، به‌ویژه انرژی خورشیدی و بادی، به‌عنوان راهکاری پایدار و اقتصادی برای جبران این کسری و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی مطرح شده‌اند.

کشورمان در سال‌های اخیر با ناترازی قابل‌توجهی در تأمین برق و گاز مواجه بوده است. کسری ۱۷هزارو ۵۰۰مگاواتی برق در سال گذشته، در سال جاری به ۳۰هزارمگاوات افزایش یافته است. این ناترازی نه‌تنها به قطعی‌های مکرر برق در بخش‌های خانگی و صنعتی منجر شده، بلکه فشار مضاعفی بر منابع گازی کشور وارد کرده است. بیش از ۸۵درصد نیروگاه‌های حرارتی کشور از گاز طبیعی به‌عنوان سوخت اصلی استفاده می‌کنند و حدود یک‌سوم گاز تولیدی کشور صرف تأمین انرژی این نیروگاه‌ها می‌شود، با این حال در فصل سرد سال، ناترازی گاز به چالشی مضاعف تبدیل می‌شود و تأمین سوخت نیروگاه‌ها را با دشواری مواجه می‌کند. رشد سالانه ۵درصدی مصرف برق که ناشی از افزایش تقاضا در بخش‌های خانگی، صنعتی و تجاری است، این وضعیت را پیچیده‌تر کرده است. اگر این روند ادامه یابد، تا ۲۰سال آینده، کشور به حدود ۱۲۰هزارمگاوات ظرفیت جدید تولید برق نیاز خواهد داشت. از این میزان، پیش‌بینی می‌شود حداقل ۸۰هزارمگاوات باید از طریق منابع تجدیدپذیر تأمین شود تا وابستگی به سوخت‌های فسیلی کاهش یابد و پایداری انرژی کشور تضمین شود. انرژی‌های تجدیدپذیر، به‌ویژه انرژی خورشیدی و بادی، به دلیل دسترسی گسترده، پایداری زیست‌محیطی و هزینه‌های عملیاتی پایین‌تر در بلندمدت، به‌عنوان راه‌حلی کلیدی برای جبران کسری برق کشور مطرح شده‌اند. ایران از ظرفیت‌های طبیعی بی‌نظیری برای توسعه این نوع انرژی برخوردار است. تابش خورشیدی بالا در بیش از ۳۰۰روز آفتابی در سال، مناطق بادخیز گسترده و زمین‌های بایر فراوان، بستر مناسبی برای احداث نیروگاه‌های خورشیدی و بادی فراهم کرده است، با این حال بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها همچنان در مراحل ابتدایی قرار دارد و نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان و سیاستگذاری‌های منسجم است. توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر نه‌تنها به جبران کسری برق کمک می‌کند، بلکه می‌تواند وابستگی کشور به منابع فسیلی را کاهش دهد. این امر نه‌تنها از منظر زیست‌محیطی، بلکه از دیدگاه اقتصادی و راهبردی نیز اهمیت دارد. کاهش مصرف گاز در نیروگاه‌ها می‌تواند منابع گازی کشور را برای مصارف صنعتی، صادراتی یا تزریق به شبکه خانگی آزاد و به بهبود تراز انرژی در فصول سرد سال کمک کند. با وجود ظرفیت‌های بالای ایران در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، موانع متعددی بر سر راه توسعه این صنعت وجود دارد. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، نیاز به سرمایه‌گذاری کلان است. برآوردها نشان می‌دهد برای جبران کسری ۲۵هزارمگاواتی برق، حدود ۱۵هزارمیلیارددلار منابع مالی مورد نیاز است. علاوه بر این، توسعه ۸۰هزارمگاوات ظرفیت جدید از منابع تجدیدپذیر، سرمایه‌ای بالغ بر ۲۳میلیارد دلار طلب می‌کند. این حجم از سرمایه‌گذاری، بدون مشارکت بخش خصوصی و جذب سرمایه‌های خارجی، عملاً غیرممکن است.

یادداشت

کدام عدالت استخدامی؟

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

«عدالت در استخدام برای دولت بسیار مهم است» این جدیدترین اظهارنظر رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور است، گزاره‌ای آشنا، پرطمطراق و البته تکراری. اگر چراغ قوه‌ای در دست بگیریم و اندکی در پستوهای استخدامی نهادهای دولتی سرک بکشیم، چیزی جز سایه‌های سنگین تبعیض، سفارش، روابط و تعارفات پیدا نخواهیم کرد. عدالت، اگر هم دغدغه‌ای باشد، گویا تنها دغدغه‌ای روی کاغذ است، نه در عمل، نه در آزمون‌ها، نه در مصاحبه‌ها و نه حتی در همان گام نخست که رزومه‌ای از فردی «آشنا» به اداره می‌رسد. اکنون که دولت چهاردهم در حال چیدن پازل‌های مدیریتی‌اش است، این پرسش از زبان جامعه بلند است: اگر عدالت برای شما مهم است، آیا همین کسانی که به کار گرفته شدند، بر اساس عدالت بوده‌اند؟ اگر بله، چگونه؟ و اگر نه، چرا همچنان شعار می‌دهید؟

«عدالت» این واژه بلند و شریف، سال‌هاست نقل محافل سیاستگذاران است. در برنامه‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و حتی در قاب‌های رنگی اینفوگرافی‌ها، همواره جای برجسته‌ای دارد، اما حقیقت تلخ این است که عدالت، بیش از آنکه در رفتار اداری ما جاری باشد، در بیانیه‌ها دفن شده است. امروز وقتی سخن از «عدالت در استخدام» به میان می‌آید، نه تنها باور عمومی لبخند نمی‌زند، بلکه ابرو در هم می‌کشد و طعم گزنده ریا را حس می‌کند. رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور به صراحت گفته است عدالت در استخدام برای دولت مهم است؛ سخنی که دقیقاً همان‌قدر که امیدآفرین می‌نماید، پرسش‌برانگیز هم است. اگر واقعاً چنین است، اجازه دهید سؤال کنیم: همین کسانی که طی ماه‌های اخیر جذب بدنه دولت شده‌اند، دقیقاً چگونه و بر اساس کدام معیارهای عادلانه‌ای گزینش شده‌اند؟ آیا فرایندها شفاف بوده‌اند؟ در استخدام‌های مثلاً آزمونی چطور؟ آیا به فرم اعتراضات داوطلبان آزمون‌ها پاسخ داده شده است؟ آیا وزن‌دهی آزمون کتبی و مصاحبه‌های شفاهی، واقعاً بر اساس عدالت و بدون جهت‌گیری انجام شده است؟ چرا داوطلبان بسیاری با رتبه‌های عالی، پشت درهای بسته مصاحبه‌ها می‌مانند و افرادی دیگر که رزومه‌شان چندان درخشان نیست، از دری دیگر وارد می‌شوند؟ چرا حتی در بدنه‌های پایین‌دستی ادارات، صندلی‌هایی محفوظ برای «آشناها»، «سفارش‌شده‌ها» و «نیروهای خاص» دیده می‌شود؟ کدام دستگاه نظارتی مسئول پیگیری این پرسش‌هاست و تاکنون چند گزارش مستند درباره عدالت در استخدام منتشر شده است؟

بی‌عدالتی در استخدام مختص این دولت یا آن دولت نیست، واقعیتی مزمن است که در تار و پود ساختار اداری کشور رسوب کرده است. یکی از نمونه‌های بارز آن، ماجرایی بود که چندی پیش از درون یکی از وزارتخانه‌ها منتشر شد؛ فردی، صرفاً به دلیل نزدیکی با حلقه مدیریتی، در قامت مسئول حقوقی یک وزارتخانه جا خوش کرده بود و جالب‌تر آنکه مانع به‌کارگیری کسانی می‌شد که از او انتقاد کرده بودند. این یعنی عدالت، نه‌فقط اجرا نمی‌شود، بلکه گاهی عملاً سرکوب هم می‌شود، تازه چنین اعجوبه‌هایی عزم خانه قانونگذاری هم کرده بودند! دولت‌ها هر بار که زمام را به دست می‌گیرند، نوید می‌دهند که بساط رانت و تبعیض را جمع خواهند کرد، اما کافی است فهرست انتصابات، استخدام‌ها و حتی نیروهای قراردادی در ماه‌های نخست هر دولت را بررسی کنید. چرخه آشنای وفاداری، اعتماد سیاسی، توصیه‌نامه‌ها و حلقه‌های درونی، دوباره راه خود را باز و از سوراخ‌های قانون و بخشنامه عبور می‌کند. شعارهای عدالت‌خواهانه در اتاق‌های کنفرانس پژواک می‌یابد، اما در راهروهای ادارات، اغلب به دیوار برخورد می‌کند.

واقع‌بین باشیم، حتی اگر بهترین دستورالعمل‌ها نیز نوشته شود، تا زمانی که اراده‌ای برای نظارت عینی و مستقل وجود نداشته باشد، عدالت تنها بازی زبانی مدیران خواهد بود. در حال حاضر فرایندهای استخدامی حتی در مراحل آزمون کتبی نیز خالی از اشکال نیست. طراحی سؤال‌ها، تصحیح پاسخ‌ها، سطح دشواری و نوع سنجش مهارت‌ها، همه می‌توانند زمینه‌های تبعیض غیرمستقیم را ایجاد کنند، اما آنجا که بیشترین آسیب به عدالت وارد می‌شود، مرحله مصاحبه شفاهی است. مصاحبه‌هایی که با عنوان «ارزیابی‌های تخصصی و شخصیتی» انجام می‌شوند، در عمل به اتاق‌های سلیقه و بعضاً سنجش عقیدتی و سیاسی تبدیل شده‌اند. آیا فرد به «نگاه ما» نزدیک است؟ آیا «تیپ شخصیتی» او به فضای سازمان می‌خورد؟ این جملات ظاهراً منطقی، در عمل تبدیل به ابزار حذف یا امتیاز دادن می‌شوند. عدالت در چنین ساختاری، به طرز فجیعی تنزل می‌یابد.

از سوی دیگر، بسیاری از فرایندهای جذب نیرو، اصلاً به آزمون و ارزیابی نمی‌رسند. در قالب پروژه‌ها، قراردادهای حجمی، طرح‌های موقت، مأموریت‌های ویژه یا جذب مشاور، نیروهایی وارد سیستم می‌شوند که عملاً از دایره نظارت و رقابت بیرون هستند. این رویه اگرچه با چسب قانون رنگ شده، اما در جوهر خود، تبعیض‌آمیز و ضدارزشی است. اکنون که دولت چهاردهم در حال تثبیت و تعمیق ساختار خود قرار دارد، این انتظار بجا و ملی است که گامی فراتر از شعار بردارد. اگر عدالت در استخدام واقعاً مهم است، این مهم نباید به گفتار محدود بماند بلکه باید معیارهای مشخصی برای سنجش این عدالت تدوین و منتشر شود. برای مثال، هر دستگاه باید به صورت شفاف، گزارش سالانه از نحوه استخدام نیروهایش منتشر کند، وزن‌دهی آزمون و مصاحبه به‌طور دقیق و از قبل اعلام شود، مرجعی واقعی برای ثبت اعتراضات داوطلبان و پیگیری مستقل آنها ایجاد شود، استخدام‌های غیرآزمونی، باید ممنوع یا به‌طور کامل شفاف‌سازی شوند و الخ.

بی‌عدالتی در استخدام، زخم کهنه‌ای بر پیکر نظام اداری ماست؛ زخمی که نه با مرهم شعار که با تیغ شفافیت و جراحی ساختاری درمان می‌شود. اگر عدالت برای دولت مهم است، باید از همین‌جا آغاز کند. از پاکسازی فرایندهای تبعیض‌آمیز، از پایان دادن به استخدام‌های رانتی، از گشودن پنجره‌های نور به اتاق‌های تنگ و تار مصاحبه‌های گزینشی. مردم عدالت را در استخدام می‌خواهند، نه در تیتر اخبار. جامعه ما نیاز به آن دارد که بداند سهمش از فرصت‌های شغلی دولتی، وابسته به شایستگی است نه شناسنامه و سفارش و این، اگر محقق شود، شاید بتوان دوباره به واژه عدالت، معنا بخشید. عدالت، اگر به‌درستی در استخدام نهادینه نشود، نه‌تنها فرصت‌ها را از شایستگان می‌گیرد، بلکه بنیان سرمایه اجتماعی دولت را نیز فرسوده می‌سازد. مردمی که بارها و بارها دیده‌اند در آزمون‌ها پذیرفته می‌شوند اما در مصاحبه رد یا پرونده‌شان به دلایل مبهم کنار گذاشته می‌شود، چگونه به نظام استخدامی اعتماد کنند؟ جوانی که سال‌ها درس خوانده، مهارت آموخته و بی‌منت وارد رقابت شده است، حق دارد بداند چرا کنار گذاشته شده، چرا دیگری برگزیده شده است و چرا فرصت شغلی در پستوهای روابط اداری گم می‌شود. دولت اگر واقعاً عدالت را اصل خود می‌داند، باید نشان دهد میان آنچه می‌گوید و آنچه عمل می‌کند، فاصله نیست. وقت آن رسیده است ساختارهای بسته و فرسوده‌اداری بازسازی شود، سیستم‌های نظارت بیرونی تقویت و استخدام‌ها به آیینه‌ای از شایستگی بدل شود، نه نمادی از توصیه‌نامه‌ها. اگر امروز در استخدام‌ها عدالت نباشد، فردا در اداره کشور هم عدالت رنگ خواهد باخت. استخدام، نقطه آغاز عدالت اداری است؛ همان‌جا که یا به صداقت نظام اداری ایمان می‌آوریم یا به تبعیض پنهان آن تن می‌دهیم.

یادداشت

حسن فرامرزی

زیستن در حاشیه شهر با هزینه فرشته!

گیلاس در کیانمهر کرج کیلویی ۲۵۰هزارتومان فروخته می‌شود اما همان گیلاس در شهرک ابریشم که پنج دقیقه با کیانمهر فاصله دارد اما در تقسیمات شهری جزو کرج به حساب نمی‌آید ۴۰۰هزارتومان فروخته می‌شود. شهرک ابریشم جزو پروژه‌های مسکن مهر است و کسانی که در آنجا ساکن هستند از اقشار ضعیف جامعه‌اند و استطاعت مالی پایینی دارند، چرا این گونه است؟ هیچ کسی را نمی‌توانید پیدا کنید که به این سؤال جواب بدهد. ناظر و بازرس هم بیشتر شبیه جوکی بی‌مزه است. حالا تصور کنید کسی که در شهرک ابریشم ساکن است فقط به خاطر اینکه به یک بن‌بست بی‌قواره در بیابان تبعید شده است؛ بن بستی که هیچ امکانات رفاهی و تفریحی ندارد، حتی در حد یک بوستان، مجبور است گیلاس را به قیمت خیابان فرشته در تهران بخرد یا جزیره کیش.

اگر بازرسی که مربوط به این کار است به یکی از دکه‌ها یا میوه‌فروشی‌های شهرک حاشیه‌نشینی که ملون را ۴۵هزارتومان- در صورتی که ملون دو کیلومتر آن طرف‌تر در کیانمهر ۲۰ تا ۲۵هزارتومان قیمت خورده است- گیلاس را ۴۰۰هزارتومان و فلفل دلمه‌ای را ۱۱۰هزارتومان می‌فروشد، مراجعه کند و از او بپرسد چه توجیهی برای این کار دارد، او چه می‌تواند بگوید؟ آیا آن میوه‌فروش مجبور است برای اجاره آن ملک همان مبلغی را بپردازد که مثلاً میوه‌فروشی در خیابان فرشته تهران می‌پردازد؟ کاملاً معلوم است که قیاس خنده‌داری است و اجاره‌ها در شهرکی حاشیه‌نشین مثل شهرک ابریشم بسیار پایین‌تر از میوه‌فروشی‌های شمال تهران است. آیا آن میوه‌فروشی هزینه حمل و نقل بسیار بالایی را پرداخت کرده است؟ مثلاً با هواپیما میوه‌ها را به شهرک ابریشم آورده است؟ مثل آن اتفاقی که در کیش می‌افتد؟ نه! فاصله کیانمهر با شهرک ابریشم دو کیلومتر بیشتر نیست. پس چرا یک کارگر با حقوقی نازل فقط و فقط به این جرم که به گوشه دوری از یک کلانشهر پرتاب شده است، باید مایحتاج روزانه خود را با قیمت‌های فضایی معادل قیمت‌های شمال شهر تهران دریافت کند؟ جز اینکه عده‌ای که نام خود را کاسب گذاشته‌اند اما در حقیقت خفت‌گیر هستند، از وضعیت آدم‌هایی که در این شهرک به وسایل حمل و نقل شخصی دسترسی ندارند، این گونه سوءاستفاده می‌کنند.

آدم‌ها به یک معنا حق دارند این همه حرص بخورند تا جای‌شان در حاشیه شهرها نباشد. آنها فهمیده‌اند هرچقدر از مرکز دورتر می‌شوند، نامرئی‌تر می‌شوند، چنان نامرئی که انگار وجود ندارند، انگار نه انگار که حاشیه شهرها در ارائه امکانات رفاهی، بهداشتی، تفریحی و حمایتی موجودیتی داشته باشند.

انرژی

گامی نو در تأمین مالی انرژی پاک

بازار سرمایه کشورمان با پذیره‌نویسی نخستین صندوق پروژه نیروگاه خورشیدی، گام بلندی در راستای توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر برمی‌دارد. این ابتکار که با هدف تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی انرژی پاک طراحی شده، فرصتی بی‌نظیر برای جذب سرمایه‌های مردمی و صنعتی فراهم می‌کند و نویدبخش تحولی پایدار در نظام انرژی کشور است.

بازار سرمایه به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی اقتصاد، نقشی محوری در تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی ایفا می‌کند. در سال‌های اخیر، تلاش‌های متعددی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های بورس در راستای رفع نیازهای اساسی کشور صورت گرفته است. پذیره‌نویسی صندوق‌های پروژه، به‌ویژه در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، یکی از این ابتکارات است که با هدف جلب مشارکت عمومی و خصوصی در توسعه زیرساخت‌های انرژی طراحی شده است. این صندوق‌ها با ایجاد بستری شفاف و قانونمند، سرمایه‌گذاران را به مشارکت در پروژه‌های ملی ترغیب می‌کنند و به کاهش وابستگی به منابع مالی سنتی کمک می‌کنند.

نخستین صندوق پروژه نیروگاه خورشیدی که به‌زودی در بورس تهران پذیره‌نویسی می‌شود، نمونه‌ای برجسته از این رویکرد نوآورانه است. این صندوق با تمرکز بر احداث نیروگاه‌های خورشیدی، نه‌تنها به جبران ناترازی انرژی کشور کمک می‌کند، بلکه فرصتی برای سرمایه‌گذاری در صنعتی روبه‌رشد و پایدار فراهم می‌آورد.

یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های این طرح، قوانین حمایتی مصوب در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر است. بر اساس مقررات موجود، بنگاه‌های صنعتی با مصرف برق بیش از یک مگاوات موظف هستند بخشی از منابع خود را به توسعه انرژی‌های پاک اختصاص دهند. در صورت عدم اجرای این تعهد، جریمه‌های مالی اعمال می‌شود که این جریمه‌ها نیز در راستای تقویت زیرساخت‌های انرژی تجدیدپذیر هزینه خواهد شد. این سیاست، انگیزه‌ای مضاعف برای صنایع انرژی‌بر ایجاد کرده است تا در پروژه‌هایی نظیر صندوق‌های خورشیدی سرمایه‌گذاری کنند.

این صندوق، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بازار سرمایه، امکان مشارکت گسترده سرمایه‌گذاران خرد و کلان را فراهم می‌کند. جذابیت‌های اقتصادی این طرح، از جمله بازده پیش‌بینی‌شده بالاتر از بازارهای سنتی و تضمین خرید برق تولیدی از سوی دولت، آن را به گزینه‌ای مناسب برای سرمایه‌گذاری تبدیل کرده است. علاوه بر این، دوره بهره‌برداری کوتاه‌مدت و انطباق با مقررات سازمان بورس، اعتماد سرمایه‌گذاران را به این پروژه تقویت می‌کند.

پذیره‌نویسی این صندوق، نقطه عطفی در مسیر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در کشورمان است. با توجه به ناترازی فزاینده برق و محدودیت‌های منابع فسیلی، حرکت به سمت انرژی‌های پاک نه‌تنها یک انتخاب، بلکه یک ضرورت استراتژیک است. موفقیت این صندوق می‌تواند الگویی برای تأسیس صندوق‌های مشابه در آینده باشد و به تسریع توسعه زیرساخت‌های انرژی پاک کمک کند. انتظار می‌رود با حمایت نهادهای مسئول و استقبال سرمایه‌گذاران، این ابتکار به تقویت جایگاه کشورمان در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر منجر شود و گامی مؤثر در راستای پایداری انرژی کشور بردارد.

خبر

تخصیص یک‌میلیاردو۴۰میلیون دلار برای سلامت مردم

با تمهیدات بانک مرکزی و از ابتدای امسال تا پایان ۱۸خرداد ماه، در مجموع بالغ بر یک‌میلیاردو۴۱میلیون دلار برای واردات دارو، مواد اولیه دارویی و تجهیزات پزشکی با دو نرخ ترجیحی و غیرترجیحی، تخصیص و تأمین ارز صورت گرفته است.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، طبق بودجه سه ماهه اول امسال ۸۰۰میلیون دلار ارز ترجیحی و ۴۰۰میلیون دلار نیز ارز غیرترجیحی برای واردات دارو، مواد اولیه دارویی و تجهیزات پزشکی تأمین ارز صورت می‌گرفت که به‌رغم کاهش تأمین بودجه ارز ترجیحی از سوی دستگاه‌های مربوط با تمهیدات بانک مرکزی و دستور رئیس کل بانک مرکزی مبنی بر اهمیت موضوع سلامت مردم، از ابتدای سال تا پایان ۱۸خردادماه بیش از ۵۲۵میلیون دلار ارز ترجیحی و ۵۲۰میلیون دلار ارز غیرترجیحی (بیشتر از هدف سه ماهه) از سوی بانک مرکزی تأمین شده است. طبق تأکید رئیس کل بانک مرکزی و بر اساس هماهنگی و همکاری با وزارتخانه‌های مربوط جهت تأمین ارز ترجیحی، فرایند تأمین ارز واردات دارو، مواد اولیه دارویی و تجهیزات پزشکی با نرخ ارز ترجیحی ۲۸هزارو ۵۰۰تومان تا حصول اهداف پیش‌بینی شده ادامه خواهد داشت. تأکید می‌شود موضوع تسریع در کارسازی و تأمین وجوه در خارج از کشور به رغم شرایط تحریمی خاص حاکم بر مبادلات ارزی ایران، به طور ویژه پیگیری می‌شود و اقدامات لازم با هماهنگی نهادها و سازمان‌های مربوط صورت خواهد گرفت.

شناسه آگهی: ۱۹۴۶۵۵۴

تجدید فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره SKS–0331433 (نوبت اول)

۱–موضوع: تجدید فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره SKS–0331433 راجع به خرید اقلام گاز ترشی مربوط به نصب سپریتورها
۲–محل و مدت انجام کار: استان خراسان رضوی، سرخس، منطقه عملیاتی خانگیران به مدت ۱۲ماه.
۳–نام و نشانی مناقصه گزار: شرکت بهره برداری نفت و گاز شرق - مشهد، بلوار خیام، بلوار ارشاد، خیابان مهندس، نبش مهندس ۶، پلاک ۱۸.
۴–شرایط مناقصه گر:
۴–۱– دارابودن شخصیت حقوقی/حقیقی، کد اقتصادی و شناسه ملی/کدملی.
۴–۲– داشتن توانائی مالی، تجربه، تخصص و سوابق کافی در زمینه موضوع قرارداد.
۴–۳– توانایی تهیه ضمانت نامه شرکت در فرآیند ارجاع کار (مناقصه) به مبلغ ۱/۷۴۶/۲۹۲/۵۰۰ ریال و در صورت برنده شدن ارائه تضمین معتبر بانکی انجام تعهدات به میزان ۱۰ درصد مبلغ پیشنهادی.
۴–۴– درضمن ۲۵ درصد بار مالی معامله به برنده مناقصه به عنوان پیش پرداخت در قبال اخذ ضمانتنامه معتبر بانکی مورد قبول مناقصه گزار پرداخت خواهد گردید.
۵–کلیه مراحل از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد. لازم است متقاضیان در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه مذکور، مراحل ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فرآیند از طریق سایت سامانه محقق سازند. شماره فراخوان ارزیابی کیفی در سامانه ستاد ایران ۲۰۰۴۰۹۲۲۵۸۰۰۰۰۳۷ می باشد.
۶–گشایش پاکت های مناقصه پس از انجام مراحل ارزیابی کیفی، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) با اطلاع رسانی قبلی انجام خواهد شد.
۷–در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، متقاضیان می توانند با تلفن های ۳۳۳ و ۳۷۹۲۳۳۳۷ -۰۵۱ تماس حاصل نمایند. ضمناً آگهی فوق در سایت WWW.SHANA.IR و WWW.ICOFC.IR و WWW.EOGPC.IR درج می باشد.

روابط عمومی شرکت بهره برداری نفت و گاز شرق